



۲۰۲۰/۱۰/۲۹

دوکتور محمد ظاهر عزیز

پیام و احکام اسلام برای کسب تعلیم و تربیه

شبی در ماه رمضان، سال ۶۱۰ میلادی بر محمد (ص) بن عبدالله بن عبدالمطلب بن هاشم، زمانی که او چهل سال داشت در غار حرا (نزدیک مکه)، وحی نازل شد. صدایی گفت: "من جبرئیل، ملک پروردگار هستم و از جانب او مامور شده ام به تو اعلام کنم که خداوند برای ابلاغ پیام و وحی خود به بشریت، ترا برگزیده است."

نخستین آیاتی که بر محمد (ص) نازل شد چنین بود: "ای رسول گرامی بر خیز، قرآن را بنام پروردگارت بخوان که آفرید، آفرید انسانرا از خون بسته، بخوان، پروردگار تو است کریم. آن خدائی که بشر را علم نوشتن بقلم آموخت و به آدم آنچه را که نمیدانست، با الهام خود تعلیم داد."

در این آیت کلماتی که مسلمان ها می باید همیشه به یاد داشته باشند و از معنی و مفاد آنها پیروی نمایند عبارت اند از کلمات بخوان که دو بار تکرار شده است، کلمات بشر، علم، نوشتن، قلم و تعلیم.

بنده از معنی این کلمات آموخته ام که در صدر دین اسلام، خواندن، نوشتن و آموختن علم و دانش، با کسب تعلیم و تربیت بر زن و مرد حکم فرض صادر گردیده و به عبارت ساده، کسب تعلیم و تربیه و علوم بر زن و مرد فرض گردیده است.

احکام فوق با مفاد حقوق مرد و زن که در اعلامیه جهانی حقوق بشر پیش بینی شده اند رابطه کامل دارد. ضمناً متذکر میگردم که با پیروی از احکام فوق و پیروی از احکام مواد چهل و چهارم، چهل و پنجم، چهل و ششم و چهل و هفتم قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان، دولت موظف است که همه وسایل را برای کسب تعلیم و تربیت در همه سطوح معارف در کشور برای زن و مرد، پسر و دختر افغان میسر و آماده سازد.

از آن زمان که محمد رسول الله (ص) پس از چند سال دعوت و رهنمایی مردم مکه در راه خداوند (ج)، از آن شهر هجرت کرد هزار و چهارصد سال، میگذرد.

شبی، حضرت محمد (ص) پیغمبر اسلام، به همراهی ابوبکر صدیق، از شهر خارج شد و پس از سفر دراز و پر مخاطره در عرض بیابان، سر انجام به یثرب رسید و با استقبال پر شور یارانش که قبلاً به آنجا رفته بودند و ساکنان محلی رو بر شد.

این مکان کوچک را که پیغمبر اسلام به مدینه تبدیل کرد، دومین شهر با فضیلتی است که شهر مقدس اسلام شد. او از واحد کوچک یثرب بنیانگذاری یک تمدن جدید، تمدنی را که منبع و امال بیش از یک هزار و پنجصد ملیون مسلمان است، آغاز کرد.

داستان حماسی هجرت، حاوی نشانه هائی است که به کمک آنها میتوان دریافت که چرا پیامی که توسط محمد (ص) ابلاغ شد، پس از وی با امیدهای انبوه مردمانی که وابسته به فرهنگ های متفاوت و ساحه جغرافیایی عظیمی بودند، در آمیخت و به حیات آنان ابعاد معنوی، اخلاقی، سیاسی و اجتماعی جدیدی بخشید.

نخستین اهمیت آن پیام، در جهان شمول بودن آن است که با مخاطب قرار دادن تمام وجود انسان و تمام مردمان بود، که پیغمبر و یارانش توانستند جامعه نوینی بسازند، مشتمل بر مردمان جزیره عربستان، افریقا، آسیا، اروپا و بخشی از امریکای لاتین.

پیامی که پیغمبر اسلام ابلاغ کرد، افقهای حیات معنوی مردمانی را که آن پیام را دریافت کردند، حقیقتاً گسترش داد، زندگی آنان را به نور ایمانی که ماورای اتفاقات روزمره بود، روشن ساخت، مسایل سیاسی را به يك شالوده اخلاقی قرارداد، و حقوق کامل همه افراد جامعه را تضمین کرد.

از راه تفهیم، تعلیم و تدریس، از راه وسایل شنیدن، گفتن، دیدن، و نوشتن، یعنی وسایل ارتباط جمعی، از طریق بحث، مذاکره و کنفرانس، می باید به جامعه اسلامی و با زبان ساده و مردمی، تفهیم و تعلیم گردد که آزادی اجتماع اسلامی همچون پارچه ای است که تار و پود آنرا آزادی های فردی تشکیل میدهد و این آزادی ها تنها زمانی شکوفا میگردد که کل اجتماع شکوفا شود. اگر شکوفائی اجتماع مورد تهدید یا هجوم واقع شود، هر يك از افراد تاثیر یا لطمه ناشی از آن را بر نهاد خود احساس میکند، و چنانچه افراد اجتماع از مشارکت آزادانه در حیات اجتماعی و ابراز استعداد های خود محروم شوند، حیات اجتماعی به ناگزیر دچار ضعف می شود و جامعه هویت خود را از دست می دهد .

شالوده حقوق فردی مساوات مطلق همگان یعنی همه مردم است. پیغمبر اسلام می فرماید " شما همچون دندانها ای شانه برابرید." این مساوات بنیادی که در برابر مزایای ناشی از اصل و نسب و مال، مکننت و قدرت، خدشه ناپذیر است، متضمن يك مسولیت حقوقی و اخلاقی مساوی برای همگان است. از اینرو هر فرد (مرد و زن) در برابر، خداوند و مردم، مسؤل اعمال خود و مسؤل چگونگی گردش امور اجتماع است .

با تأیید، تکرار میگردد که خصلت اساسی اسلام، جهان شمول بودن پیام آن است. در این آئین، جایی برای تبعیض نیست، نه برای مرد و نه برای زن. دین اسلام برای همه است. اسلام در پی آن نیست که خود را بر کسی تحمیل کند. دعوت قران کریم خطاب بر تمام کسانی است که آنرا می شنوند. خداوند (ج) به محمد (ص) میگوید: " و ما ترا جز برای این که عموم بشر را برحمت خدا بشارت دهی و از عذابش بترسانی، نفرستادیم."

اسلام ذاتا دوستدار سلم و منادی برابری بنیادین همه ابناء بشر است که این خود از یگانگی جوهر آنان، منشا مشترك آنان و مقصد مشترك آنان، سر چشمه می گیرد.

کسانی که از این احکام و روحیه آنها پیروی نمی کنند و در پی کشتار و آزار مسلمانان خاصاً زنان و اطفال اند، گنجهکار اند . اطاعت پروردگار و خدمت به خلق، فوق تمایزات نژادی، فرقه ای و طبقاتی، و اصل و نسب است. تکراراً تذکر داده می شود که پیغمبر اسلام (ص) می فرماید: "بنی آدم خانواده واحدی را تشکیل میدهد که تحت حمایت پروردگار قرار دارد. گرامی ترین شما نزد خداوند کسی است که برای خانواده اش مفیدتر باشد." و یا "عرب بر غیر عرب، برتری ندارد، سفید پوست نیز بر سیاه پوست برتری ندارد، مگر آنکه پرهیز گار تر باشد." این بیان بصورت واضح بر حسب اصول دین مبین اسلام همبستگی بشریت و تساوی بنیادین همه انسانها را حکم می نماید که می باید از طرف هر مسلمان، مرد و زن مراعات، اجرا و احترام شود .

ما در جامعه خود، افغانستان، به تعلیم و تربیه مفاهیم فوق الذکر ضرورت شدید داریم. مردم ما باید بدانند که حقوق و مسولیت های شان در برابر خداوند (ج) و خلق خدا و در برابر همدیگر مساوی است. وقتی پیغمبر اسلام حکم می فرماید که بنی آدم خانواده واحدی را تشکیل میدهد و گرامی ترین شما نزد خداوند کسی است که برای خانواده اش مفید باشد، بر جامعه اسلامی لازم است بدانند که حکم پیغمبر اسلام اینست که بر خانواده خود یعنی انسانها و مسلمانان عمل نیک انجام دهید، آنها را با خود مساوی تلقی نمایید و از اعمال بد و احساسات برتری نسبت به دیگران پرهیز نمائید.

درک پیام اسلامی و انجام دادن روشی که در حکم ارزشهای اسلامی باشد، جامعه اسلامی را در راه حفظ هویت اسلامی کمک می نماید .

رسانه های گروهی با توانائی تکنیکی امروز که معضله فاصله را حل و تسخیر نموده اند، قدرت بزرگ از راه های شنواندن، گفتن، ارائه تصویر، دیدن و خواندن، به مردم و جامعه دارند. مردم کشور ما که هر روز، بیشتر از دیروز، به رسانه های

گروهی آشنا میشوند، حق دارند تقاضای فهمیدن اساسات، ارزشها، اصول اسلامی و پیام دینی را که به آن معتقد اند، بزبان خود شان و با ساده گی بیان، از رسانه های گروهی داشته باشند .

نقش رسانه های گروهی، با ارائه برنامه های قابل درك و قابل فهم آنطوری که در توان درك فکری و فرهنگی مردم کشور ما باشد، در راه تعلیم افراد جامعه ما جهت شناخت مفاهیم و پیام اسلامی، بسیار بزرگ است که تا حال به درستی اجرا نگردیده است .

ما در جامعه خود به درك مفاهیمی ضرورت داریم که کسی با رابطه قومی، نژادی، زبانی، مقام، دارائی مادی و جنس، برکس دیگری برتری ندارد. برتری او محض رابطه به خدمتگزاری به خداوند (ج) و خدمتگزاری صادقانه به خلق خدا است . این اصل از اساسات اصیل دیموکراسی امروزی که در پیام اسلامی نهفته است و در قانون اساسی افغانستان منعکس گردیده، محسوب میگردد .

رسانه های گروهی که امروز مقام عالی، ثمر بخش و چشمگیر خود را در راه پخش خبر، احوال و تعلیم مرد و زن حاصل نموده است، در تفهیم اساسات اسلامی و ایستنه بر اصول دیموکراسی و مساوات بین همه افراد جامعه افغانی، وظیفه بس بزرگ دارد .

مردم جامعه ما همانند دیگر جوامع، حق دارند از این مزایای مسوولیت های حقوقی و اخلاقی مساوی برای همگان، مطلع و مستفید گردند و بر اصل برابری و مساوات در ورای قبول حق و اجرای مسوولیت، با نیکی و پاکی، جامعه خود را بطرف دیموکراسی ملی که تضمین مساوات فردی و اجتماعی را در بر دارد، بطرف آینده مرفه به پیش ببرند .

تفهیم این اصل به همه افراد جامعه از طریق کسب تعلیم و تربیه درست با محتوای کامل با ضرورت امروز جامعه ما، وسایل اطلاعات و نشرات، خاصتا رادیو و تلویزیون در جامعه ما امکان پذیر است. شرط اصلی را در مراحل زیر باید جستجو نمود:

- طرح پلان، برنامه ملی جهت پیاده نمودن و تشریح اصول مذکور به مردم کشور،
- انواع برنامه هایی که از طرف مردم قابل فهم و درك باشند،
- تهیه و سایل شنیدن، دیدن و یا خواندن به افراد جامعه و بالاخره سهمگیری مردم جامعه در تنظیم و تطبیق برنامه ها.
- تهیه همه وسایل تعلیم و کسب علوم به همه سویه های تعلیمی برای همه اتباع افغانستان خاصتا دختران و زنان افغانستان که به مدت زیادی از کسب و دسترسی به تعلیم و تربیه باز مانده اند.

اسلام با دمیدن نسیم روح بخش اتحاد و امید مشترک برجهانی که قبلا از لحاظ تاریخی و جغرافیایی، وزبان و فرهنگ از یکدیگر جدا بودند، آنها را از بسیار جهات به یکدیگر نزدیکتر ساخت و یک جریان مداوم مبادلات متقابل میان آنها بر قرار ساخت که موجب شکوفایی و سود هر یک از آنها شد .

این اصل یعنی نسیم روح بخش اتحاد و امید مشترک، در جامعه ما قابل فهم، قابل درك و در امکان قابل پذیرش است به این معنی که کشوری که دارای تنوع فرهنگی باشد، در آن کشور غنای فرهنگی نیز وجود دارد و باید از تنوع و غنای فرهنگی برای تربیت و رفاه مردم استفاده درست نمود. جامعه و مردم افغانستان صاحب تنوع فرهنگی قابل ملاحظه و شایسته هستند . پس در کشور ما از یکطرف غنای فرهنگی موجود است و از جانبی دین مقدس اسلام به مردم کشور ما نسیم روح بخش اتحاد و امید مشترک اعطا نموده است.

اسلام در وحدت و امید مشترک مردم افغانستان مقام معنویت اخلاقی بخشش نموده است. پس ایجاب می نماید که افغان ها از مقام، بزرگی و ارزشهای این معنویت به شکلی که احکام اسلامی حکم می نماید، استفاده کامل و هوشیارانه نمایند .

وظایف مهم دستگاه دولتی، مردم چیز فهم و مؤسسات فرهنگی، اطلاعاتی، نشراتی و تعلیمی اینست که مفاهیم اصیل و مقام معنوی دین اسلام را بحیث نسیم روح بخش اتحاد و امید مشترک، بزبان مردم، به مردم تفهیم نماید. نقش رسانه های گروهی در این راه مقدس بزرگتر از آن است که امروز درك گردیده است .

سختی، کمک و رسیدگی به محتاجان، رستگاری و محبت به کسانی که در مشکل قرار دارند، در پیام، روش و مفاهیم اسلامی مقام بس بزرگ دارد. مسلمین بیاد می آورند که چگونه اصحاب پیغمبر (ص) وارد مدینه شدند و انصار برادرانه از آنان استقبال کردند و آنان را به آغوش خانواده های خود راه دادند و خانه و دارایی خود را با آنها تقسیم کردند .

امروز در جامعه ما و به حکم پیام و مفاهیم اسلامی که با حسن انسانی مطابق است، نه تنها این آرزو موجود است بلکه ضرور هم است که اکنون نیز بار دیگر موج همبستگی انسانها اوج گیرد، همه افغانها نیاز های دیگران را نیاز های خود بدانند و تمام کسانی که دارای توانائی های معنوی، علمی و خاصا مادی شده اند، دست دوستی بسوی قربانیان جنگ، از کم کردن فقر، جهل و بیماری، دراز کنند. نگذارند خواهران، برادران و اطفال شان که از خطر جنگ و کشتار ظالمان، از خانه های خود بیجا شده اند در گرسنگی و فقر، بمیرند.

برای این منظور موسسات اجتماعی، خیریه، تعلیمی، صحی و اطلاعاتی تاسیس نمایند، در انکشاف قریه، شهر و محل خود بصورت درست و بدون خواهش مقام خاص حکومتی، آنچه احکام اسلامی حکم می نماید، بصورت صادقانه سهم بگیرند. به خانواده های قربانیان کمک نمایند، در کاهش بیسوادی و جهل از راه ساخت و تاسیس مکتب و تهیه وسایل تعلیم و تدریس اقدام نمایند، اجازه دهند که بخشی محدود از دارائی شان در ساخت مرکز صحی و یا فعالیتهای صحی و ساخت مکاتب که فرزندان شان را تعلیم دهند، بکار رود.

ضمنا از طریق تاسیس مراکز رادیوهای محل و برنامه های آن در تقویت سویه تعلیمی و توسعه جامعه دارای احساسات وطندوستی، صلح، برادری، برابری، دارای ارزشها اسلامی و انسانی، پاکي نفس و ضمیر، سهم گرانقدر داشته باشند .

در پیام اسلامی، اعمال و احساسات اخوت و صمیمیت، روش اخلاق نیک، گوش دادن به حرف دیگران و پذیرفتن نظریات نیک دیگران جهت بهبود امور اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، مقام شایسته دارد .

پیغمبر مسلمانان به نظریات و حرف های صحابه گوش میداد و این امر تا سرحدی بود که بسیاری اوقات پلان کاری را که خود پیغمبر (ص) طرح نموده بود بعد از ارائه نظریات صحابه تغیر شکل میدادند .

ما آرزو میکنیم که اکنون نیز، بار دیگر، آن فضای اخوت و صمیمیت تکرار شود و در جامعه ما در عمل روزمره قرار گیرد تا کم رتبه ترین افراد بتوانند بدون واهمه نظر خود را نزد والاترین اشخاص ابراز کنند و فضای آکنده از مدارا و تحمل متقابل که شرط لازم برای تحقق دیموکراسی همگانی، حفظ شخصیت انسانی افغانی و حفظ ارزشهای فرهنگی است، فضای سیاسی، اداری و اجتماعی جامعه ما را با نوری که سعادت می آورد، روشن سازند. این همه اعمال نیک در جامعه ما پیاده خواهد شد مشروط بر آنکه مردم وطن ما به فضایل و ارزش های اسلامی و انسانی عقیدت داشته باشند و مطابق اوامر خداوند(ج) و نصایح پیغمبر اسلام روش زندگی خود را تنظیم نمایند و از جهل دوری نمایند، از کشتار مردم افغانستان و تخریب این کشور زیبا پرهیز نمایند.

آیا رسانه های گروهی برای تفهیم و تعلیم مفاهیم فوق عالی اسلامی و انسانی در جامعه ما مسوولیت دارند؟

جواب کاملا مثبت است، چونکه رسانه های گروهی خاصا رادیو با قدرت تخنیکی امروزی که دارد، به هر خانه و هر شخص رسیده میتواند. رسانه های گروهی در تعلیم مردم جامعه نقش اساسی دارند مشروط به این که برنامه های آنها با تخنیک های جدید علمی و روانی با در نظر داشت قدرت درک و فهم مردم جامعه ما به منظور توسعه جامعه بطرف صلح، انکشاف عقلی و فرهنگی اما از همه بالاتر با دلسوزی کامل با مراعات به هویت فرهنگی مردم کشور ما، طرح، تطبیق و ارائه گردند.

وقتی از مراعات هویت فرهنگی صحبت میگردد، مرام تعقیب حالات رکود و عدم تغیر و یا عدم توسعه اجتماعی و اقتصادی نیست، بلکه حفظ ارزشهای معنوی، اخلاقی و فرهنگی است که هم در حفظ عزت یا شخصیت و مقام جامعه ما و هم در روش هایی که در ساخت جامعه با تغیرات زمانی، بکار میروند، نقش بزرگ و اساسی را دارا هستند .

پیام بزرگ دیگر اسلام، قبول مسوولیت و اجرای امور، با صداقت و پاک نفسی کامل است. زمانی حضرت عمر (رض) خلیفه اسلام به اثر خستگی در کار، زیر سایه درختی آرامیده بود، یکی از رعایای وی از آنجا میگذشت، او را دید. ایستاده و این کلمات محبت آمیز را بوی خطاب کرد: "ای عمر، تو به امور عامه رسیدگی کرده ای، عدالت را برپا داشته ای و اکنون باقلب آرام بخواب رفته ای." چطور میتوان پیدایش دوباره حس مساوات از این قبیلی را و یا اندکی نزدیک به آن را که در پرتو آن، حاکم مردم مثل بقیه آدم ها عمل نماید و خود را وقف خیر و صلاح هموعانش بسازد و هر یک از آنها نیز به نوبه خود، مثل حاکم اندکی احساس مسوولیت نماید و جامعه بطرف صداقت اجتماعی، اداری و رفاه رهنمون گردد؟ قرانکریم می فرماید: "فساد در روی زمین یا جان انسانی را به ناحق گرفتن برابر است با کشتن تمامی ابنای بشر و در عین حال نجات بخشیدن جان یک انسان معادل است با احیای تمامی بشریت".

رسانه های گروهی در به میان آمدن چنین حالت در اجتماع یعنی حالت با درک مسوولیت و صداقت نقش بس بزرگ دارد. آرزوی ما اینست که رسانه های گروهی نه فاسد گردد و نه در تشویق عمل و حالت فساد مصدر خدمت به کسی شود و به اینصورت درحفظ هویت اسلامی در کشور خدمت نماید.

احکام اسلامی سرودی بس زیبا در مدح دانش.

احکام اسلامی انسانرا به کسب دانش فرا می خواند، راز و خرد را با یکدیگر تلفیق می کند و کسانی را که در باب خلقت تامل میکنند و نسبت به هموعان خود امین اند، بزرگ میدارد.

اصالت اسلام تنها در آن نیست که اهمیتی استثنایی برای علم قابل است بلکه همچنین در آن است که بی وقفه در طلب علم است. علم از دیدگاه اسلام میراث مشترک تلقی میشود که در انحصار هیچ کس نیست. در اسلام هیچ چیز بیگانه تر و بدتر از سیستمی نیست که استفاده و بهره گیری و مبادله دانش را محدود میکند و جریان اطلاعات علمی و فنی را محض در خدمت بازار و سود بیشتر قرار میدهد.

اعتقاد به اینکه علم متعلق به تمامی بشریت است، عالم را ملزم می سازد که دانش خود را به کسانی که در طلب علم هستند، منتقل کند. این که طلب علم خواست مشروعی است از این دعای پیغمبر(ص) برمی آید: "پروردگارا در علم من بیفزا" و این که عالم شایسته احترام است، از این سوال هویدا است: "آیا برابرند آنانی که می دانند با آنانی که نمی دانند؟" همچنین قرآن کریم ما را امر میکند که از فیض علم بهره گیریم: "بروید از اهل ذکر سوال کنید اگر نمیدانید".

با پیروی از این فلسفه، اسلام از دانش و فرهنگ تمام جوامعی که در جریان گسترش خود به آنها بر می خورد بهره میگرفت. پیغمبر اسلام به مومنان اندرز داده است که از "گهواره تا گور دانش بجویند و در طلب علم حتی به چین بروند". این حکم به این معنی است که کسب علم و تعلیم متداوم، در احکام اسلامی توصیه شده است.

اسلام به قابلیت بشر برای رسیدن به کمال از راه تعلیم و تربیت، اطمینان داشت و در نتیجه برای نخستین بار در تاریخ بشریت، نظریه آموزش مداوم را توصیه کرد. اسلام مردان و زنان و اطفال را به آموختن امر کرد، تا بتوانند به نوبه خود تعلیم و تربیت دیگران را بر عهده بگیرند.

آن ارزشهای آزادی، مسوولیت، همبستگی، پاکي نفس، و حکم برای کسب دانش، که به نور ایمان منور و منزه شده بودند، برای انسان امروز نیز همچون زمان پیغمبر(ص) دارای اهمیت اند.

آن ارزشها امروز نیز همچون گذشته و آینده، چنان آرمانی را در مسیر زندگی انسان قرار میدهند که به برکت آن جزئی ترین اعمال روز مره اش نیز از والا ترین آمال معنوی او رنگ می گیرد. بر ماست که آن ارزشها را درک نمایم، بفهمیم و در مسیر زندگی، سرمشق حیات شخصی و اجتماعی جامعه خود بسازیم.

سه دلیل عمده نویسنده را راهنمائی می نماید تا این نوشته را با مسایل مربوط به کسب دانش و تعلیم و تربیه، خاتمه دهد: الف: اعتقاد به پیام و حکم اسلام در جهت کسب دانش.

ب: تعلیم و تربیه و سیله گرانمایه برای تفهیم، تعلیم و فهم ارزش ها و پیام اسلام است. جامعه اسلامی با سواد، احکام، پیام و ارزشهای اسلام، این دین مقدس و صلح خواه را که به مقام وزندگی انسان حرمت قایل است، و از دهشت افگنی و کشتار مردم بی گناه حکم پرهیز می دهد، بهتر میداند و بالاخره آن ارزشها را رهنمای زندگی خود می نماید .

ج: تعلیم و تربیه وسیله اصلی نجات انسان از شر فقر، جهل، امراض، فساد می باشد و راهنمایی جامعه بطرف حیات مرفه دارای مزایای فرهنگی و اقتصادی است .

رسالت اصلی تعلیم و تربیه ایجاد و پرورش انسان نو و کامل می باشد که باید موافق با ضرورتهای جامعه نو با ابزار نو و روش نو تربیت گردد، در تربیت او از همه وسایل استفاده شود و او خود یعنی تعلیم دیده موظف شود که در تربیت دیگران همت گمارد تا اینکه کسب دانش مداوم در جامعه امر سرنوشت همه، قرار گیرد.

در زمان امروز، تعلیم و تربیه را نمی توان منحصر به مکتب و یا دوران محدودی از زندگی کرد. انسان موجود زنده جانیست که بطور مداوم آموزش می بیند پرورش می یابد. تعلیم و تربیه جریانی است مداوم که از راه زندگی و کار، تجربه، از طریق شنیدن، دیدن، گفتن و خواندن و بر خورد های انسان با مواقع گوناگون، بدست می آید و به هیچ وجه نمیتواند به تعلیمات رسمی یا مکتب منحصر گردد، چونکه انسان از "گهواره تا گور" می آموزد.

این اصل، فهم و قبول آن در کشور ما، کشوری که مردم آن بدین اسلام معتقد هستند و اسلام و پیام اسلامی راهنمای حیات معنوی و مادی مردم است و اساسات اجتماعی، سیاسی کشور ما وابسته به مفاهیم و ارزشهای اسلامی است، تکرار می نمایم، که این اصل در حد امکان و در عمل اجرا است .

نقش و سهم رسانه های گروهی در تربیت جامعه افغانی برای تفهیم و تعلیم ارزشها و پیام اسلامی و انکشاف معارف متوازن در سراسر کشور، نهایت مهم و برانده است. به همین منظور، پیشنهادات زیر ارائه میگردد:

۱- درك احساس و مسوولیت در شناخت کامل ارزشها در جهت استفاده صلح آمیز مبتنی بر ارزشهای انسانی از پیام اسلامی، در جامعه افغانستان .

۲- طرح سیاست، در قالب سیاست نشراتی به منظور شناسائی تعالیم و اخلاق صلح جویانه، پیام اسلامی .

۳- طرح برنامه های تعلیمی عمومی و عالی با نظر داشت ضرورت های فعلی و فردای جامعه ما و استفاده در س و هوشیارانه از همه وسایل در انکشاف و بهبود معارف در کشور.

۴- طرح برنامه های نشراتی با در نظر داشت سویه فرهنگی مردم کشور ما هم با ارتباط سویه عمومی مردم از لحاظ دانش عمومی و هم با ارتباط زبان و دیگر مسایل اجتماعی و فرهنگی.

۵- درك مسایل و سیاست عمومی دولتی .

۶- استفاده از همه وسایل تخنیکی و روش های مسلکی عصری و مدرن .

۷- هماهنگی میان رسانه های دولتی و خصوصی و هماهنگی با برنامه های وزارت های معارف، تحصیلات عالی، اطلاعات و فرهنگ ، حج و اوقاف و دیگر موسسات و منابع که موظف اجرای تعلیمات عمومی و دینی هستند.

۸- ارزیابی برنامه های نشراتی از طریق مراجعه به مردم و اصلاح متداوم برنامه ها در جهت بهبودی و موثریت آنها .

با فهم و قبول ارزشهای مطالب ارایه شده فوق نتایج ذیل را نیز به هموطنان تقدیم می نمایم:

- هیچ کسی حق ندارد که به منظور کسب قدرت سیاسی، مادی، و یا احساسات دینی شخصی را چه مسلمان و یا غیر مسلمان، بکشد و یا به او و خانواده او ضرر برساند زیرا " فساد در روی زمین و یا جان انسانی را به نا حق گرفتن برابر است با کشتن تمامی ابنای بشر و در عین حال نجات بخشیدن جان یک انسان معادل است با احیای تمامی بشریت." من هر نوع عملی را که اسباب کشتار اطفال، زنان، جوانان و مردم وطن را میسرگرداند، به حکم ارزشهای اسلامی و قبول حق زندگی همه انسانها، به شدت تقبیح و محکوم می نمایم .

- دستگاه دولت که موظف تعلیم و تربیت فرزندان و مردم افغانستان هستند، باید وظایف خود را آنچه ارزشهای اسلامی حکم می نمایند، در تعلیم و تربیت کامل دختران و پسران افغان با نظر داشت ضرورت های امروز و فردای شان بشناسند. برنامه های تعلیمی را با همکاری متخصصین تعلیم و تربیه طوری تنظیم نمایند که همه اطفال و جوانان افغان به تعلیمات عمومی و عالی دسترسی کامل و متوازن داشته باشند ورنه در اجرای این وظیفه شریف ناکام خواهند بود.
- دستگاه مطبوعات و نشرات دولتی و شخصی و فرهنگیان افغان وظیفه مبرم دارند که در پخش و نشر مطالبی که مردم افغانستان و خاصاً جوانان وطن را برای فهم و قبول ارزشهای اسلامی و انسانی، دوستی، پذیرش حقوق مساویانه زن و مرد، صداقت، حرمت به دیگران و قبول مفاهیمی که همه اتباع افغانستان بدون در نظر داشت مظاهر قومی، سمتی، زبانی و مذهبی دارای حقوق و وظایف مساوی هستند حق زنده ماندن دارند، رهنمایی و تربیت نمایند.



[برای مطالب دیگر این نویسنده، اینجا کلیک نمایید.](#)

